



پشت پرده بدحجابی

و بی‌بندوباری

آنچه که در پشت پرده این بدحجابی‌ها می‌گذرد که این‌ها ظاهر کار است، بدحجابی یا حرف زدن یک دختر و پسر در خیابان که شما می‌بینید جوان حزب‌اللهی‌ما را عصبانی می‌کند و یا خانواده شهید را این ظاهر هر کار است. پشت‌پرده کار، مسئله یک شبکه خطرناک فاسدی است که از سوی تمام سیاست‌گزاران غربی ضداسلامی دارد تقویت می‌شود، برای این است که مردم را به فساد بکشانند و بتوانند جوان‌های ما را و جامعه ما را فاسد کنند. آنها برای تمام مردم هم که آمادگی مختصری دارند، پیش‌بینی کرده‌اند. برای جوان و برای کودک، برای نوجوان، برای دختر، پسر، حتی مرد و زن‌هایی که از دوران جوانی گذشته‌اند، برای همه برنامه‌ریزی کرده‌اند و می‌خواهند یک چنین شبکه فسادی را در داخل به وسیله عناصر وابسته به خودشان ترویج کنند. علت هم یک چیز است که می‌خواهند سلامت جامعه ما را سلب کنند و نسل جوان را از انقلاب بگیرند و بینش سیاسی کشور ما را که در مرد و زن و پیر و جوان و همه رسوخ و نفوذ دارد، این را سلب کنند، سرگرم کنند ، مثل حیوانات ، مثل همان مردمی که در آن کشورها هستند که به مسائل سیاسی و اخلاقی و ارزش‌ها و تحرکات انسانی عنایت و توجهی ندارند.

✽ **خطبه‌های نماز جمعه مورخه ۶۵/۶/۱**

در محضر امام خمینی (ره)

روزی که امام ناپدید شد!

پس از سال ۱۳۴۵ که امام به بیماری قلبی گرفتار شدند، پزشکان دستگاهی را به قلبشان نصب کردند که این دستگاه تمامی اطلاعات پزشکی مربوط به قلب ایشان را به یک دستگاه مانیتور که در بیمارستان جنب حسینیه استقرار یافته بود، مخابره می‌کرد و پزشکان دائماً از وضعیت قلبی ایشان مطلع می‌شدند. یک روز دکترها با اضطراب آمدند و گفتند که ما نوار قلبی از حضرت امام(ره) نداریم. ارتباط مانیتور با قلب امام قطع شده است. چه اتفاقی افتاده است؟ امام کجاست؟ ما باید وضعیتشان را بررسی کنیم. دستگاه الکتروکاردیوگرام، امواج قلبی را دریافت نمی‌کند. نوار یک خط صاف و ممتد نشان می‌دهد. امام را بیابید. ما باید ایشان را معاینه کنیم. بلافاصله به اتاق آقا رفتیم. آقا در اتاقش نبود، به حیاط رفتیم، آنجا هم نبود، به خانه ایفون زدیم می‌خواستیم ببینیم آیا آنجا هستند؟ آیا نزد خانمش هستند؟ آنجا هم نبود، گفتند آقا آنجا نیست. خدایا پس آقا کجاست؟ از این سو به آن سو، هر طرف را که گشتیم و جستیم، امام را نیافتیم، ببینید امام کجاست؟ رابطه دستگاه با قلب آقا قطع شده است و ایشان نه در حیاط است، نه در نزد همسرشان. اتاق خود ایشان هم دوبراشد، اما امام را نیافتیم و…

پس از مدتی به اتفاق دکتر نعمتی‌پور، به اتاق آقا رفتم و دیدیم تشریف ندادند، بار سوم که برای یافتن آقا به اتاق آمدم، دیدیم لب تختشان نشسته‌اند، گویا از همان لحظه دوباره ارتباط دستگاه با قلب امام برقرار شده بود…

ما مطمئنیم که همه جا را گشتیم و امام نبود، اما آقا کجا بود؟

خدا می‌داند. حقیقت این قضیه را تنها ایشان می‌دانند و خدا، به کجا رجعت کرده بود؟ این اسراری است که به درون آقا بستگی داشت.

✽ **حاج عینی جعفری و حجاج سیدرحیم میریان، خدمتکاران امام، هفته‌نامه کیهان‌هوایی، ویژه‌نامه چهارمین سالگرد رحلت امام.**

شرط امام با همسرش

اوایل زندگیمان هفته اول یا ماه اول، یادم نیست، گفتند: من به کار تو کاری ندارم، به هر صورت که میل داری لباس بخو و بپوش، اما آنچه از تو می‌خواهم این است که وجابت را انجام بدهی و محرمات را ترک کنی، یعنی گناه نکنی. به مستحبات خدایا کار نداشته، به کارهای من کاری نداشته، به طوری که دوست داشتم زندگی می‌کردم. به رفت و آمد با دوستانم کاری نداشتند، چه وقت بروم چه وقت برگردم، ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود.

✽ **خانم ثقیی، همسر امام، مجله ندا، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۲**

به شدت بر آشفته می‌شدند

امام خیلی خوش محضر بودند. برای نزدیکان امام بهترین مجلس، مجلسی بود که ایشان در آن باشند. در حضورشان انسان می‌توانست راحت و بی‌تکلف سخن بگوید، حتی ما در حضور ایشان لطیفه می‌گفتیم؛ البته طوری که به کسی برنخورد و غیبت نباشد. اما اگر خدای ناکرده در میان حرف‌هایمان غیبت از کسی بود یا کسی را مسخره می‌کردیم، امام به‌شدت برآشفته می‌شدند.

✽ **خانم فاطمه طباطبایی، مهر و قهر (محمدرضا سبحانی‌نیا- سعیدرضا علی‌عسگری)**

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

دروغ در معامله

س) اگر فروششده در انجام معامله، دروغ گفته باشد آیا علاوهبر حرمت دروغ گفتن، معامله هم باطل خواهد بود؟

ج) دروغ گفتن حرام است، ولی در صورتی که شرایط صحت معامله مراعات شده باشد، معامله صحیح است.

استفاده از کراوات در عروسی

س) آیا استفاده از کراوات در شب عروسی اشکال دارد؟
ج) به طور کلی پوششیدن لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شود و استفاده از آن، ترویج فرهنگ منحط و معادد غربی می‌شود، جایز نیست.

استفاده از نقره آمیخته به طلا برای مرد

س) بنده انگشترهایی به مشتریان خود می‌فروشم که از ترکیب طلا و نقره ساخته شده است. با توجه به حرمت استفاده از انگشتر طلا برای آقایان، برای آنکه حرمت آن برطرف شود، حداکثر چند درصد انگشتر طلا باشد، استفاده از آن برای آقایان‌اشکال ندارد؟
ج) اگر طلای موجود در آن به‌قدری کم باشد که عرفا به آن انگشتر طلا نمی‌گویند، استفاده از آن برای مرد اشکال ندارد.

نگفتن عیوب جنس به خریدار

س) برخی قطعات اتومبیل بنده به‌صورت حرفه‌ای تعویض یا تعمیر شده است. اگر هنگام فروش - در صورت عدم سؤال خریدار، جزئیات آن را به خریدار اعلام نکنم، معامله و بول حاصل از آنچه حکمی دارد؟

ج) در فرض سؤال معامله صحیح بوده و مال به دست آمده حلال است.

شیعیان واقعی دارای ویژگی‌های خاصی هستند و به وسیله همان صفات و نشانه‌ها نیز شناخته می‌شوند. صرف داشتن محبت اهل بیت(علیهم‌السلام) برای شیعه بودن کافی نیست؛ زیرا بسیاریند کسانی که ادعای محبت اهل بیت دارند، اما شیعه واقعی نیستند. برای شیعه واقعی بودن باید دقیقاً با پیروی از ائمه‌اطهار(ع) آنان را در گفتار، رفتار، عبادت و… الگو و سرمشق خود قرار دهیم و متمسک به سیره عملی آنان باشیم. کلمه «شیعه» در قرآن هم آمده است. قرآن کریم پس از بیان داستان حضرت نوح(ع) می‌فرماید: **وَإِنْ مِنْ شَيْعَةٍ لِإِبْرَاهِيمَ(۱)**، و بی‌گمان ابراهیم(ع) از پیروان او انوح(ع) است؛ یعنی حضرت ابراهیم

معارفMaaref@Kayhan.irیکی از صفات پسندیده انسانی که اسلام هم تأکید فراوانی بر آن کرده، حالت استغنا و عزت نفس است.انسان باید تا می‌تواند از دیگران حتی از نزدیکان و یا پدر و مادرش هم چیزی نخواهد.

تفاوت‌های شیعه و مُحب اهل بیت(ع)

آیت‌الله مصباح یزدی

درست همان راهی را می‌پیمود که حضرت نوح(ع) پیموده بود.

بنابراین محبت اهل بیت(ع) غیر از شیعه واقعی بودن است و باید این دو مقوله را از یکدیگر تفکیک کرد. برای روشن‌تر شدن موضوع، روایتی را در این زمینه نقل می‌کنیم:

پس از اینکه مسئله ولایتعهدی اِسماع رضاع) مطرح گردید و آن حضرت به مَرُو تشریفرما شدند، مردم دسته دسته برای عرض تبریک خدمت ایشان شریفای می‌شدند؛ زیرا در نظر مردم این پیش‌آمد پیروزی بزرگی برای اهل بیت(ع) به حساب می‌آمد. مدتی پس از استقرار امام در مَرُو، دسته‌ای از شیعیان برای زیارت آن حضرت به محضر ایشان شرفیاب شدند. دربان و خدمتکار حضرت از آنان سؤال کرد: شما کیستید و چه می‌خواهید؟ گفتند: ما جمعی از شیعیان امام هستیم و تقاضای شرفیابی حضور امام را داریم. دربان گفت: منتظر باشید تا من اجازه بگیرم، سپس خدمت حضرت آمد و عرض کرد: جمعی آمده‌اند و می‌گویند ما از شیعیان شما هستیم و می‌خواهیم شما را زیارت کنیم. حضرت اجازه نفرمودند. دربان، پاسخ حضرت را به آنان گفت. آنان رفتند و روز دوم آمدند و همان درخواست را مطرح کردند. باز هم حضرت اجازه ملاقات به آنان ندادند. برای روز سوم آمدند و مجدداً همان تقاضا را تکرار کردند. این بار نیز حضرت اجازه نفرمودند. آنان بسیار متأثر شدند و فهمیدند تعدمی در کار است که حضرت اجازه نمی‌فرمایند. بعضی از آنان با گریه و زاری از دربان خواستند تا از حضرت سؤال کند گناهشان چیست که اجازه ملاقات نمی‌دهند. دربان مطلب را خدمت اسماع عرض کرد. حضرت فرمودند: چه گناهی بالاتر از اینکه آنان دروغ می‌گویند، آنان می‌گویند ما شیعه هستیم در حالی که صفات شیعه در آنان نیست؛ شیعیان واقعی امثال سلمان و ابوذر هستند. دربان برگشت و فرمایش حضرت را به آنان گفت. آنان گفتند: ما واقعاً شیعه هستیم و امام را دوست داریم، ما دروغ نمی‌گوییم. حضرت به دربان فرمودند: به آنان بگو شما از دوستانران و محبان ما هستید، اما از شیعیان ما نیستید. آنان گفتند: آری، ما اهل بیت(ع) را دوست داریم و از دوستانران امام هستیم. حضرت فرمودند: حالا راست گفتند، می‌توانند وارد شوند. شاید اگر ما جای آنان بودیم و سسه مرتبه در خانه امام می‌رفتیم و اجازه حضور نمی‌یافتیم، خسته می‌شدیم و برمی‌گشتیم، ولی آنان چون عاشق بودند، ایستادند و استقامت کردند تا سَرّ مطلب را دریابند. حضرت به این وسیله آنان را تربیت کردند و به آنان فهماندند که صرف داشتن محبت اهل بیت کافی نیست، بلکه محبت اهل بیت قدم اول است و نباید به آن اکتفا کرد؛ مراتبی که شیعیان در سایه انتساب به اهل بیت باید کسب کنند، بسیار بیش از اینها است. اگر خدای تعال لطف کرده و محبت اهل بیت را در دل ما قرار داده است، باید به خوبی از آن استفاده کنیم و در همان پله اول توقف نکنیم.

امام صادق(ع) در بیان ویژگی‌های شیعیان واقعی می‌فرماید: **يَا بْنَ جُنْدَبٍ! اَمَّا شَيْعَتُنَا فَيُغْفَوْنَ بِخِصَالِ شَتَّى بِالْشَّعْءِ وَ الْبَذْلِ لِلْاِخْوَانِ وَ بَأَنْ يُصَلُّوا الْخُمْسِينَ لَيْلًا وَ نَهَارًا. شَيْعَتُنَا لَا يَهْرَوْنَ هَرَبَ الرِّكْلِ وَ لَا يَلْمَعُونَ طَمَعُ الْغُرَابِ وَ لَا يُجَاوِرُونَ لَنَا غَدَاوًا وَ لَا يَسْأَلُونَ لَنَا مُمْغِضًا وَ لَا مَاتُوا جُوعًا. شَيْعَتُنَا لَا يَأْكُلُونَ الْجِرَى وَ لَا يَمَسُّحُونَ عَلَى الْحَقِّينِ وَ يُحَافِظُونَ عَلَى الزَّوَالِ وَ لَا يَشْرَبُونَ مُشْكِرًا. (۲)**

ای پسر جندب! همانا شیعیان ما به چند خصلت شناخته می‌شوند: به سخاوت و بخشش به برادران و به خواندن پنجاه رکعت نماز در شبانه‌روز و (به دوری از پرخاش و داد و فریاد) شیعیان ما همانند سگ روزه نمی‌کشند و همانند کلاغ طمع نمی‌کنند. حریص نیستند و با دشمنان ما همسایگی نمی‌کنند و اگر از گرسنگی بمیرند، چیزی از آنها نمی‌خواهند. شیعیان ما مارماهی نمی‌خورند و از روی کشش مسح نمی‌کشند و بر وقت نماز ظاهر مراقبت می‌کنند (توجه به نماز اول وقت دارند) و شراب نمی‌نوشند.

امام رضا (ع) می‌فرماید: شیعیان ما مانند سگ، پرخاشگر و مانند کلاغ، طمعکار نیستند؛ یعنی نه درصدد آزار و اذیت دیگران برمی‌آیند و نه بیش از نیازشان به جمع‌آوری مال و ثروت می‌پردازند. به کار بردن چنین تعبیهایی برای این است که زشتی بعضی رفتارها نشان داده نشود تا کسانی که زمینه این‌گونه صفات در آنها وجود دارد، خودشان را تزکیه کنند و نگذارند این صفات در آنها رشد کرده و به صورت ملکاتی ثابت درآیند.

نشانه‌های شیعیان

۱. گشاده دستی نسبت به برادران ایمانی

امام صادق(ع) در این روایت شریف، اولین صفت شیعیان را جود و بخشش و عدم اسماک نسبت به سایر شیعیان ذکر می‌کنند. انسان همان‌گونه که به اهل و عیالش توجه می‌کند، باید نسبت به برادران ایمانی‌اش هم احساس مسئولیت داشته باشد. در حقوق اخوان، که در اصول کافی هم بای به این نام وجود دارد، آمده است: اگر کسی غلامی دارد که امور منزلش را انجام می‌دهد و برادر ایمانی‌اش از داشتن غلام محروم است، او به عنوان حق اخوت موظفاًست غلام خودش را بفرستد تا کارهای برادر ایمانی خود را هم انجام دهد. در جایی که حتی فرستادن افزایش می‌یابد.

خدا در قرآن بیان می‌کند که پیامبر(ص) مامور به رسالت و بیان آن چیزی است که خدا به او وحی کرده است اما اگر برخلاف آنچه وحی شده، چیزی به ما نسبت می‌داد، به سختی مجازات می‌کردیم، چنانکه صراحت می‌فرماید: و اگر او پارهای گفته‌ها بر ما بسته بود دست راستش را پاره اسیر جنگی در میدان نبرد سخت می‌گرفتیم، سپس رک قلیش را می‌کردیم؛ و هیچ یک از شما مانع از عذاب او نمی‌شد. (حاقه، آیات ۱۰۴ تا ۴۷)

براساس دیدگاه قرآن کسی که به سبب ارتباط با خدا و نسبت داشتن به خدا و دین در اجتماع اعتباری کسب کرده است، اگر بخواهد از این اعتبار خویش سوء استفاده کند، به شدت مجازات می‌شود و به او مهلت داده نمی‌شود. پس همان‌طوری که به پیامبرش مهلت نمی‌دهد، به عالمان اسلامی که اعتباری به نام عالم اسلامی کسب کرده‌اند، مهلتی نمی‌دهد و آنان را مجازات می‌کند؛ این در حالی است

یکی از صفات پسندیده انسانی که اسلام هم تأکید فراوانی بر آن کرده، حالت استغنا و عزت نفس است.انسان باید تا می‌تواند از دیگران حتی از نزدیکان و یا پدر و مادرش هم چیزی نخواهد.

ثابت درآید. شَأْن شیعیان اهل بیت با روحیه پرخاشگری و طمعکاری سازگار نیست؛ آنان باید عزت نفس داشته باشند و نسبت به مال و کار دیگران طمع نوززند.

۵. عزت نفس در برابر دشمنان اهل بیت(ع) و دوری از آنان
یکی از صفات پسندیده انسانی که اسلام هم تأکید فراوانی بر آن کرده، حالت استغنا و عزت نفس است. انسان باید تا می‌تواند از دیگران حتی از نزدیکان و یا پدر و مادرش هم چیزی نخواهد. البته ممکن است در زندگی مواردی پیش آید که انسان حتی برای انجام برخی وظایف واجب خود به کمک دیگران نیاز پیدا کند. گاهی ششی، نیمه‌ششی گرفتاری و مشکلی برای انسان پیش می‌آید که ناچار می‌شود مثلاً برای رساندن همسر و یا فرزند بیمار خود به بیمارستان، وسیله نقلیه همسایش را امانت بگیرد. دنیای امروز، دنیایی نیست که انسان بتواند به تنهایی و بدون اینکه هیچ‌گونه نیازی به دیگران داشته باشد، زندگی کند؛ خواهناخواه مواردی پیش می‌آید که انسان چاره‌ای جز کمک گرفتن از دیگران ندارد. اما اینکه از چه کسانی باید تقاضای کمک کنیم، نکته مهمی است که حضرت به آن اشاره فرموده‌اند: لاِجَاوِرُونَ لَنَا غَدَاوًا وَ لَا يَسْأَلُونَ لَنَا مُمْغِضًا وَلَوْ مَاتُوا جُوعًا؛ شیعیان ما با دشمن ما همسایه نمی‌شوند و حتی اگر از گرسنگی هم بمیرند، از کسی که با ما عناد و دشمنی دارد چیزی نمی‌خواهند. در دستورات اخلاقی اهل بیت سفارش شده است که هرچه می‌توانید از مؤمنان و شیعیان اهل بیت کمک بگیرید و زیبار مَتّ فسقاًو کسانی که با این خاندان سر و کاری ندارند، بلاخص دشمنان اهل بیت نرئید. البته برقراری رابطه و انجام معامله و با حتی درخواست کمک از افرادی که بنا به دلایلی هنوز اهل بیت را نشناخته‌اند؛ یعنی جاهل و گمراهند اما اعتاد ندارند، شاید چندان اشکالی نداشته باشد، چه بسا انسان بتواند در اثر ارتباطی که با آنان پیدا می‌کند، کم کم آنان را هدایت کند. اما بعضی از افراد ذاتاً اهل عنادند. این‌گونه افراد در زمان ائمه تعدادشان زیاد بود. اگرچه امروزه انگیزه‌های عناد کمتر شده‌است، ولی به هر حال هنوز هم هستند کسانی که دشمن اهل بیت می‌باشند. اصولاً غیرت شیعیان به آنان اجازه نمی‌دهد که دست نیاز به سوی کسانی دراز کنند که دشمن اهل بیت هستند.

۷. عمل به فتاوی اهل بیت(ع) در کلیه احکام
شیعیان از همان ابتدا در یک سلسله احکام، اختلافاتی با اهل تسنن داشتند. این اختلافات که بسیار هم معروف بود، هم در عبادات، هم در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و هم در مناسکی که مسلمانان داشتند، به چشم می‌خورد. از جمله، خوردن مارماهی مورد اختلاف شیعه و غیرشیعه بود. اهل بیت خوردن آن را حرام می‌دانستند، در حالی که اهل تسنن به



ما به این دلیل نسبت به اهل بیت(ع) محبت داریم که آنان بندگان خاص و ممتاز خدا هستند؛ یعنی در عبودیت و بندگی و تقرب الی‌الله گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. بنابراین کسی که خود را شیعه آنان می‌داند، باید نشانه‌ای از این بندگی و ارتباط بیشتر با خدا در او به چشم بخورد.

در عرب مرسوم است که بعضی از صفات ناپسند را به حیوانات نسبت می‌دهند. در فرهنگ ما هم کم و بیش این مسئله وجود دارد؛ یعنی وقتی می‌خواهند زشتی عملی را مجسم سازند، آن صفت را به حیوانی نسبت می‌دهند. معروف است که سگ در میان حیوانات، حمله‌کننده و پارس‌کننده است؛ یعنی وقتی فرد ناشناسی را می‌بیند به او حمله می‌کند. این حالت سگ، نشانگر روحیه پرخاشگری را می‌پند. البته سگ‌های پاسبان برای همین منظور تربیت می‌شوند که در مقابل افراد بیگانه چنین حالتی نداشته باشند، در این حالت، از وجود این خویی که در حیوان هست به صورت صحیح استفاده شده است. همینچنین معروف است که طمع زیاد، یکی از صفات کلاغ است. این فتوای علمای خود، صید و خوردن آن را حلال می‌دانستند. همچنین در وضو، بعضی از مخالفان شیعه مسح پا از روی کشش را بخصوص در مواقع اضطراب و سسرما جایز می‌دانستند، در حالی که شیعه از همان اوایل با این فتوا که به «مسح علی الحَقِّین» معروف است، مخالف بود. در مورد مُسْکِرَات هم اختلافاتی بین شیعه و اهل سنت وجود داشت. البته مسلمانان غیرشیعه هم اختلافات شراپ را حرام می‌دانستند، ولی در موارد مشتبه، مانند فُتَاع و آبجو که مُسْکِر َبِّین به شمار نمی‌آیند، بین شیعه و اهل تسنن اختلاف وجود داشت؛ بسیاری از اهل سنت بر خلاف شیعه، استفاده از آنها را جایز و حلال می‌دانستند. در آن زمان، مرسوم بود که خرما و میوز را برای مدتی خیس می‌کردند و سپس آب آن را که سستی ضعیفی ایجاد می‌کرد، می‌نوشیدند. گویا اشاره حضرت در این روایت شریف به همین مسئله است که موارد فوق نیز مُسْکِر و حرام بوده و شیعیان ما همان‌طور که محّر را تحریم می‌کنند و از شُرَب آن اجتناب می‌ورزند، از سایر مُسْکِرَات هم هرچند درجه مست کنندگی آنها ضعیف باشد، مانند آب جو و میوز، استفاده نمی‌کنند. حضرت می‌فرماید: شَيْعَتُنَا لَا يَأْكُلُونَ الْجِرَى وَ لَا يَمَسُّحُونَ عَلَى الْحَقِّينِ وَ يُحَافِظُونَ عَلَى الزَّوَالِ وَ لَا يَشْرَبُونَ مُشْكِرًا؛ شیعیان ما از خوردن مارماهی امتناع می‌ورزند، مسح علی الحَقِّین انجام نمی‌دهند، مواظب هستند که نماز طهر و نافله‌اش را درست انجام دهند و شرب خمر نمی‌کنند.

صافات، ۸۳	
تحف‌العقول، ص ۳۰۳.	
از کتاب: پندهای امام صادق(ع) برای رهجویان صادق http://mesbahyazdi.ir	

شود، به او مهلتی نمی‌دهد؛ همان‌گونه که به ابریه مهلت نداد. خدا می‌فرماید: **اِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ یَصْنَعُونَ غِنًّ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْخَرَامِ… وَ مَن یُزِدْ فِیهْ یُلَاقِدْ بِظُلْمٍ نُّذُقْهُ مِنْ عَذَابٍ اَلِیمٍ**؛ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند… و نیز هر که بخواد در آنجا به ستم از حق منحرف شود به او از عذابی دردناک می‌چشانیم. (حج، آیه ۲۵)

البته ظالم باید از آه مظلومی که جز خدا کسی را ندارد نیز بترسد که آه مظلوم سریع می‌گیرد؛ امام حسین(ع) در آخرین وصیت خویش به امام سیدالار(ع) در کربلا می‌فرماید: **يَا كَ وَ ظَلَمَ مَنٌ لاَ يَجِدُ عَلیْکَ نَاصِرًا اِلَّا اللَّهَ**؛ هرپز کن از ظلم به کسی که جز خدا ناصر و یابوری ندارد. (کافی، ج ۲، ص ۳۲۱) زیرا فاصله آه مظلوم و پاسخ خدا بسیار اندک است؛ امام حسن مجتبی(ع) در پاسخ شخصی که پرسید: **کَمَ بَیْنَ الْأَرْضِ وَ النَّشْأَةِ**؛ چقدر فاصله میان زمین و آسمان است؟ فرمود: **دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ مَدُّ الْبَصَرِ**؛ نسبت به آسمان غیر مادی یعنی خدا فاصله همین دعای مظلوم است، و فاصله میان زمین و آسمان، تا چشم مسلح و غیر مسلح کار می‌کند(خصال، ج ۱، ص ۴۴۱)

به هر حال، عالمان اسلامی می‌بایست از هر گونه سوء استفاده از اعتبارات دینی و نسبتی که به خدا و دین خدا پیدا کرده‌اند حذر کنند؛ چرا که خدا به شدت و سرعت بر آنان خشم می‌گیرد و آنان را به هلاکت می‌رساند.

چراغ راه

چرایی تجمع ثروت

قال الامام رضاع): «لا یجمع المال الا یخمس خصال: ببخل شدید، وامل طویل، و حرص غالب و قطیعه الرحم، و ایتار الدنیا علی الاخرة».

امام رضاع) فرمود: مال و ثروت جز با پنج خصلت در یکجا جمع نمی‌شود: ۱- (با صفت) بخل شدید ۲- آرزوهای دور و دراز ۳- حرص و طمع غالب ۴- قطع رابطه با خویشاوندان ۵- ترجیح دنیا (هدف غایی گرفتن دنیا) بر آخرت^(۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۵

حکایت خوبان

یک‌رنگی با زیردستان

یکی از اهالی بلخ می‌گوید: من در سفر امام رضاع) به خراسان همراه او بودم، روزی همه غلامان خود را که اهل سودان و جاهای دیگر بودند، بر سر سفره غذا دعوت کرد تا با آنها غذا بخورد. عرض کردم: فدایت شوم، اگر غلامان را جدا کنی و سفره دیگری داشته باشند بهتر است. حضرت فرمود: سلاکت باش! پروردگار تبارک و تعالی یکتاست و پدر و مادر ما (آدم و حوا) یکی هستند، و پادش هرکس هم به اعمال خود اوست.^(۱)

۱- ابوالوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱

پرسش و پاسخ



چگونگی گسترش تشیع در ایران (۲)

پرسش:

حضور مبارک امام رضاع) در ایران تا چه حدی در جهت گسترش فرهنگ تشیع در ایران موثر بود؟

در بخش نخست پاسخ به این سوال ضمن تأکید بر حضور امام رضاع) در ایران بنا به درخواست و اجبار مأمون خلیفه‌عباسی به دو مسورد از آثار و برکات این حضور مبارک در جهت تقویت گسترش فرهنگ تشیع در ایران شامل: ۱- پاسخگویی به سوالات مردم ۲- اثبات مقام علمی امام رضاع) در مناظرات با دانشمندان اشاره کردیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۳. تداوم مهاجرت فرزندان و نوادگان ائمه(ع) به ایران

در پیی مهاجرت امام به ایران عده زیادی از فرزندان و نوادگان ائمه(ع) نیز به ایران آمدند و در شهرها و مناطق مختلف و دور افتاده ساکن شدند که این امر هم باعث آشنایی مردم با فرهنگ اهل بیت(ع) شد و موجب گرایش مردم به شیعه و گسترش و ترویج تشیع گردید. از طرفی هم، مأمون چون خود را طرفدار علویان معرفی می‌کرد و فضای نسبتاً باز نسبت به خلفای پیش از خود به وجود آورده بود نمی‌توانست مانع از تبلیغ و ترویج تشیع شود. و لذا با حضور امام‌رضاع) در ایران و مهاجرت عده‌ای از علویان فرصتی پیش آمده بود که اکثر مردم ایران و شهرهای شیعه‌نشین علناً به شیعه و علوی بودن خود افتخار کرده و آن را تبلیغ و ترویج می‌کردند.

۴. عملکرد امام رضاع) بر اساس سیره پیامبر(ص)

تأثیر دیگر حضور امام در ایران و گسترش تشیع: عملکرد امام رضاع) بر طبق روش و سَنَت پیامبر عمل در عبادات بود. آن حضرت در مدتی که در خراسان بودند در اجرای عبادات سعی داشتند که روش و سَنَت نبوی(ص) را رزنده کند و لذا وقتی مأمون از امام خواست تا نماز عید را بخواند حضرت طبق سنت پیامبر(ص) و بدون تحقّلات شاهانه عمل کردند و تأثیر این مسئله در بین مردم به حدّی بود که مأمون دستور داد امام را از نیمه راه برگردانند.

۵. تشریح جایگاه اهل بیت(ع) برای سران قبایل با ارسال نامه در مدّستی که امام در مرو بودند با ارسال نامه‌هایی به اطراف و سران قبایل و تبیین جایگاه اهل بیت(ع) و بیان برخی مسائل کلامی و اخلاقی که میان شیعه و سَنَی از مسائل اختلافی بود، می‌خواستند مردم بیشتر با حقایق دین و قرآن آشنا شده و وحدت بین مسلمین بر قرار شود. لذا این امر نیز باعث شد تعداد زیادی به تشیع گرایش پیدا کرده و موجب گسترش تشیع گرد.

بنابراین می‌توان گفت که از همان ابتدای ورود امام به ایران حضرت روشی را انتخاب کردند که خنثی کننده نقشه‌های مأمون باشد و لذا با وجود اینکه امام را از مناطق شیعه نشین عبور دادند ولی باز هم امام در ارتباطی ره چند اندک که با مردم پیدا می‌کردند به سوالات مردم با سعه صدر جواب می‌دادند و حقانیت اهل بیت(ع) را در مجالس مختلف بیان می‌نمودند و همچنین با پیروزی امام در جلسات مناظره علمی و عمل نمودن بر طبق سَنَت رسول خدا(ص) در عبادات و ارسال نامه‌هایی برای سران قبایل مختلف و تشریح جایگاه اهل بیت (ع) موجب گسترش تشیع در ایران شدند. و همچنین با آمدن حضرت به ایران و ایجاد فضایی مناسب. عده‌ای از علویان نیز عازم ایران شدند و در مناطق مختلف مسکن گزیده و به تبلیغ و ترویج علنی تشیع و مکتب اهل بیت(ع) پرداختند که این امر نیز باعث گسترش تشیع در ایران گردید.

سلوک عارفانه

لزوم استقامت توأمانی رهبر و پیروان

(بناد ای سالک راه خدا) «من گرچه (می)توانم استقامت کنم و افرادی هم می‌توانند، ولی همه ملت اطمینان نیست که بتواند مستقل باشد، مستقیم باشد. استقامت در امر از (ایجاد) خود امر مشکل‌تر است، چه بسا پیروزی‌هایی که برای یک ملت پیش می‌آید، برای اینکه استقامت در آن امر که مجرب شده است ندارند، سستی می‌کنند، آن پیروزی از دستشان می‌رود»^۱

آیه «فاستقم كما امرت» در دو جای قرآن آمده یکی در سوره هود (آیه۱۲) و (دیگری) سوره شوری (آیه۱۵) با این تفاوت که در سوره شوری «و من تاب معک» نادر و پیامبر(ص) نفرمود که سوره شوری مرا پیر کرد بلکه فرمود: «شیتینی سوره هود بمکان هذه الایه» یعنی سوره هود به خاطر این آیه مرا پیر کرد»^۲

چون پیامبر(ص) و رهبران الهی در استقامت خودشان مشکلی نمی‌دیدند و ترسی نداشتند، اما همیشه نگران همراهان و پیروان بودند که در ادامه ک می‌نایوند و مشکلی برای رهبران خود نشوند.

۱- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۴
۲- همان، ج ۱۶، ص ۳۰۰

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir